



درآمدهای ارزی نیز در چهارچوب ترسیمی کمیته تخصصی ارز تنظیم می شد و مدیریت نقدینگی ارزی در بدترین سال های درآمد ارزی ۴۲ ساله کشور به خوبی مدیریت شد. به نحوی که حتی یک LC بانک های ایرانی توسط خارجیان نکول نمی شد. استراتژی وزارت اقتصاد از زمستان ۶۴ که من وارد وزارتخانه شدم این بود که سیستم پولی کشور باید بشدت منضبط شود و نظام مالی شرکت های دولتی با ابداع حسابرسی اجمالی و حتی حسابرسی های صورت نگرفته بنگاه های بزرگ از رژیم سابق را نیز انجام دادیم و به سال کردیم. سازمان حسابرسی تأسیس و انضباط مالی در کشور برقرار شد و با یارانه قابل توجه به صادرات حجم آن در سال ۱۳۶۵ دو برابر شد

سازمان بهداشت جهانی آمده است اصولاً امید به زندگی در گزارش توسعه انسانی در ایران از رتبه ۱۱۰ جهانی به رتبه بالاتر ارتقا یافت و هم اکنون نیز به هشتاد و هشتمین کشور جهان رسیده ایم. بهتر است آقایان فهرست بیماری های جدید را برشمردند، اتفاقاً تأمین کالاهای اساسی و افزایش بودجه های آموزش در بهداشت باعث رشد آموزش در کشور شد، ضمناً ارتقای ظرفیت و توانایی عظیم متخصصان پزشکی ایران در این دوره به قدری جلوه گر بود که به جای اعزام بیماران به خارج معالجه آنان در ایران جایگزین شد، البته باید اعتراف کرد که تعداد اعمال جراحی زیبایی خیلی کم بود. ما بالاخره ظرفیت تولید داشتیم. نمی توانستیم شاهد از بین رفتن این ظرفیت باشیم. ما می گفتیم: در زمان جنگ تمام عیار علیه کشور نباید ارز دولتی به مسافران برای توریسم و تفریح در سواحل و... داده شود. کما اینکه عده ای می گفتند باید بدهیم و داده هم می شد. ما بالاخره این ضوابط را جاری کردیم. معتقد بودیم وقتی شرایط عادی نیست، باید ضرورت های کشور را اولویت بندی شوند. اما عده ای اصولاً با واژه «اولویت» مسأله داشتند و دارند. می گویند اولویت به معنای رانت است. باید همه چیز را آزاد کنیم و دست ناهمگونی و بازار خودش جهت می دهد و آن روزان بشدت پایین آمد و در گزارش

یعنی لوازم شوینده و بهداشتی هیچ وقت سهمیه بندی یا دچار کمیبود نشد؟

نه کمیبود نبود. اصلاً لوازم بهداشتی یا کالاهایی مانند شیر خشک نوزادان در نظام تخصیص منابع اولویت داشتند. یعنی این اقلام در ردیف کالاهای ضروری طبقه بندی می شد. مثلاً هیچ وقت، خمیردندان در بازار دچار کمیبود نشد. چرا که یک لای بهداشتی محسوب می شد. البته فراوانی آن ها به اندازه کنونی که متأسفانه واردات آن ها بدون هیچ محدودیت یا برنامه ای انجام شود، نبود. اتفاقاً مراقبت می شد تا کالاهای بهداشتی مانند صابون، شوینده ها و... به خارج از کشور صادر نشوند. چرا که به دلیل کیفیت بالا، همیشه امکان قاچاق آن ها وجود داشت. لذا انواع دارو و مواد بهداشتی و سایر کالاهای ضروری همیشه جزو اولویت های مهم ما بود. حضرت امام(ره) و رئیس جمهور نیز حساسیت زیادی داشتند که کالاهای

نقد کلان آن ها در اقتصاد با سازمان برنامه و بودجه همراهی داشتند.

کدام یک از این سناریوها به مرحله اجرا رسید؟

چون درآمدهای ارزی کشور در سال ۶۵ با سال ۶۶ متفاوت بود، قرار بود در اجرا متناسب با شرایط و میزان درآمدهای کشور عمل شود. اما چون محدودیت های مختلف در طول این هشت سال پشت سر هم انباشته شده بود شرایط در همه این سال ها دشوارتر شده بود ولی این امکان وجود داشت تا بتوانیم هزینه های ریالی را در کمیته تخصیص اعتبار متناسب با درآمدهای کشور تنظیم کنیم و از طرفی دستگاه ها نیز همکاری می کردند تا بر اساس شرایط کشور انتظارات خود از بودجه را محدودتر نمایند.

درآمدهای ارزی نیز در چهارچوب ترسیمی کمیته تخصیص ارز تنظیم می شد و مدیریت نقدینگی ارزی در بدترین سال های درآمد ارزی ۴۲ ساله کشور به خوبی مدیریت شد. به نحوی که حتی یک LC بانک های ایرانی توسط خارجیان نکول نمی شد. استراتژی وزارت اقتصاد از زمستان ۶۴ که من وارد وزارتخانه شدم این بود که سیستم پولی کشور باید به شدت منضبط شود و نظام مالی شرکت های دولتی با ابداع حسابرسی اجمالی و حتی حسابرسی های صورت نگرفته بنگاه های بزرگ از رژیم سابق را نیز انجام دادیم و به سال کردیم. سازمان حسابرسی تأسیس و انضباط مالی در کشور برقرار شد و با یارانه قابل توجه به صادرات حجم آن در سال ۱۳۶۵ دو برابر شد.

یکی از همکاران شما در آن برهه، در مورد ویژگی های سال ۶۵ می گوید برنامه های به نام «شرایط نوین» برای کشور نوشته شد. درآمدهای نفتی بشدت سقوط کرده بود. ارز در اختیار دولت نبود. همه کالاهای اساسی

خوراکی و مواد اساسی مورد نیاز مردم دچار کمیبود نشود. بنابراین مرغ، گوشت، روغن، برنج و... به دلیل اینکه حساب و کتاب داشت و یک سیستم خیلی منظم سهمیه بندی وجود داشت، اصلاً امکان کمیبود آن وجود نداشت و اتفاقاً دسترسی به مواد غذایی برای مردم، سال های سال مثال زدنی بود و مردم به همین دلیل از دسترسی آسان به مواد غذایی خاطره مثبتی دارند.

ذخیره کالاهای اساسی در زمان جنگ مانند گندم، برنج و... به چند روز رسید؟ یعنی یادتان هست زمانی رسیده باشد که مثلاً ذخیره گندم و برنج فقط برای چند روز داشته باشید؟

در زمان ما نه. با مدیریتی که اعمال می شد انبار کالاهای اساسی پر بود. البته برعکس در یک مقطعی بعد از دوران پایان جنگ این اتفاق رخ داد و در سال ۱۳۶۱ هم در مقطع کوتاهی ذخیره گندم کشور به چند روز رسید. در دولت و بعد از جنگ، جلسه ای در هیأت دولت به ریاست مرحوم دکتر حسن حبیبی برگزار شد که من نیز به عنوان قائم مقام وزارت جهاد در آن حضور داشتم. در این جلسه بین وزارت بازرگانی و بانک مرکزی اختلافی به وجود آمد که در اثر این اختلاف جلسه نیز به نتیجه نرسید. وزیر وقت بازرگانی آقای عبدالحسین وهاجی به مرحوم حبیبی گفت: آقای دکتر حبیبی مسأله ای هست که نمی دانم آن را بگویم یا نه؟ اما می گویم: ما زمان جنگ با آن همه محدودیت های ارزی هیچ وقت مثل امروز مشکل ارزی نداشتیم که ذخایر گندم ما فقط برای چند روز کفایت کند که وضع قابل تحملی نیست. مرحوم نوربخش رئیس بانک مرکزی در پاسخ گفت: من طبق دستور رئیس جمهور عمل کرده ام. با این پاسخ، دکتر حبیبی جلسه را بدون نتیجه خاتمه داد. ما زمانی که دولت را به آقای هاشمی رفسنجانی تحویل می دادیم تمام انبارها مملو از کالاهای اساسی، مواد بهداشتی و دارویی بود. میرحسین به من گفت که وقتی دولت جدید می آید انبارها پر و ذخایر گندم ما برای ۱۰۰ روز کافی باشد.

البته وزارت اقتصاد به دلیل مسئولیت کمیته تخصیص ارز و در مقام تخصیص ارز به این موضوع توجه ویژه داشت و بانک مرکزی همکاری شایسته ای می کرد وگرنه مسأله تأمین و تدارکات آن ها با وزارت بازرگانی بود. شما اگر از وزیر بازرگانی وقت بپرسید، خواهید شنید که انبارها در پایان دولت مملو از کالاهای اساسی و مواد بهداشتی و دارویی بود و نخست وزیر هم در گزارش مکتوب و رسمی خود به مناسبت تشکیل دولت جدید مشخصاً و صراحتاً به این موضوع اشاره کرد.

یعنی در آن زمان عده ای اولویت بندی کالاها را کلاً قبول نداشتند؟

بله. چنین اندیشه ای به صورت محدود در کشور وجود داشت اما در آن زمان این حرف ها جایگاه چندانی نداشت. وقتی اقتصاد دچار محدودیت است هیچ عقل سلیمی به طرح چنین موضوعی اقبال نمی کند. درک عده ای از آزادی اقتصادی همان آنارشیسم بود.

یعنی در آن زمان عده ای اولویت بندی کالاها را کلاً قبول نداشتند؟

بله. چنین اندیشه ای به صورت محدود در کشور وجود داشت اما در آن زمان این حرف ها جایگاه چندانی نداشت. وقتی اقتصاد دچار محدودیت است هیچ عقل سلیمی به طرح چنین موضوعی اقبال نمی کند. درک عده ای از آزادی اقتصادی همان آنارشیسم بود.

گویا در سال ۶۶، برنامه دیگری تحت عنوان «برنامه بحران» توسط همان تیم قبلی نوشته می شود که هرگز منتشر و توزیع نمی شود و به صورت اسناد محرمانه باقی می ماند. این برنامه دارای چه مفادی بود و چرا جزو اسناد محرمانه طبقه بندی شد؟

من چنین برنامه ای را به یاد ندارم. فقط همان چهار برنامه ای را که بر اساس شرایط متفاوت تدوین شدند به یاد می آورم. شاید برنامه مدنظر شما یکی از همین چهار برنامه است. نه یک برنامه مجزا و دیگر است. روغنی زنجانی و مسعود نیلی از این برنامه خبر داشتند. چطور شما به عنوان وزیر اقتصاد دولت از این برنامه خبر ندارید؟

اگر نام برنامه، «بحران» باشد قطعاً این برنامه را دولت تدوین نکرده است. کلیت دولت اصولاً با واژه «بحران» بشدت مخالف بود. برای همین هم در برنامه از واژه «شرایط نوین» استفاده می شد. من به کارگیری واژه «بحران» CRISIS را در شرایط صرفاً محدودیت قبول ندارم و این ترجمه را اغراق آمیز می دانم. کما اینکه ترجمه خطر برای واژه ریسک Risk را صحیح نمی دانم. خطر در لغت فارسی به مراتب از ریسک در لغت انگلیسی فراتر است.

یکی از محورهای این برنامه به نقل از تدوین کنندگان آن این است که در صورت حمله آمریکا به ایران معیشت مردم باید چگونه تأمین شود. در روزنامه ها و مجلات آن زمان محورهای این برنامه عیناً با چنین ادبیاتی اعلام شده است. اما این برنامه مهر محرمانه می خورد.

یکی از چهار سناریو در برنامه شرایط نوین همین بود که آمریکا به ما حمله نظامی می کند و ما نتوانیم حتی یک قطره نفت صادر کنیم. حتی برای مصرف داخلی نیز نفت و بنزین نداشته باشیم، باید چکار کنیم که قبلاً اشاره کردم.

شاید این همان برنامه است. در کل من برنامه مستقلاً به نام برنامه بحران غیر از چهار گزینه ای که ذکر کردم به یاد ندارم.

**متناسب سازی درآمدها و هزینه های کشور**

**بشر**

چون درآمدهای ارزی کشور در سال ۶۵ با سال ۶۶ متفاوت بود، قرار بود در اجرا متناسب با شرایط و میزان درآمدهای کشور عمل شود. اما چون محدودیت های مختلف در طول این ۸ سال پشت سر هم انباشته شده بود شرایط در همه این سال ها دشوارتر شده بود ولی این امکان وجود داشت تا بتوانیم هزینه های ریالی را در کمیته تخصیص اعتبار متناسب با درآمدهای کشور تنظیم کنیم و از طرفی دستگاه ها نیز همکاری می کردند تا بر اساس شرایط کشور انتظارات خود از بودجه را محدودتر نمایند.